

## واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن\*

□ سید مهدی جوکار\*\*

□ منصور غریب پور\*\*\*

□ ناصر عاشوری\*\*\*\*

### چکیده

از جمله حقوق والدین بعد از طلاق، حق ملاقات با طفل می‌باشد. ملاقات با طفل بعد از طلاق دارای آثار تربیتی فراوانی است. اهمیت این آثار طبق مبانی حقوقی و فقهی حکم می‌کند شخصی که حضانت فرزند بر عهده اوست، شرایط ملاقات با فرزند را برای طرف غیرحاضن فراهم آورد. حق ملاقات با طفل در لسان مشهور فقها از توابع حضانت است. این حق در ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی به رسمیت شناخته شده و به لحاظ مبنایی، ناشی از اعمال قواعدی مانند لاجرح و لاضرر است. به گونه‌ای که عدم تمکین به این حق، ضمن تأذی طرف غیرحاضن و ضامن بودن ممانعت‌کننده، موجب اضرار به طفل از حیث تصنیع حقوق خاص تربیتی می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به دنبال واکاوی فقهی مبانی لزوم استیفای حق ملاقات با طفل در زمان متارکه و ممانعت از اجرای این حق و آثار تربیتی آن نظیر: ایجاد خلأ عاطفی فرزندان، خدشه‌دار شدن شخصیت کودکان، پرخاشگری، عدم امنیت روانی کودکان و ... است.

کلیدواژه‌ها: حق ملاقات، حضانت، طلاق، طفل، تربیت، فقه.

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵.

\*\* گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران: (نویسنده مسئول): (m.jokar@yu.ac.ir).

\*\*\* گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران: (ma.gharibpoor@gmail.com).

\*\*\*\* گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران: (naserashoori65@gmail.com).

### تبیین مسئله

از منظر فقه و قوانین جاری، جهت حفظ مصالح تربیتی کودک در ایام حضانت، فرد حاضن نمی‌تواند با کارهایی مانند مخفی کردن طفل یا انتقال وی به جایی غیر از محل اقامت توافق شده بین طرفین، مانع از انجام ملاقات با طفل گردد؛ زیرا تضييع حق ملاقات با فرزند قطع رحم محسوب شده و چنین کاری تجاوز از حدود الهی و از مصادیق ظلم تلقی می‌شود که مستند به آیه شریفه «مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹) و نیز عبارت «وَلَا يَمْنَعُ مِنَ الْإِجْتِمَاعِ مَعَ أُمِّهِ لِأَنَّ فِي ذَلِكَ قَطْعَ الرَّحْمِ وَذَلِكَ لَا يَجُوزُ» (طوسی، ۱۳۸۷، ۴۰) به لحاظ فقهی جایز نیست و به علاوه چنین کاری از جهت تربیتی و روانی، صدمات روحی و معنوی فراوانی را برای فرزند و همچنین پدر یا مادر وی خواهد داشت. با این توضیح، در ایام سرپرستی و حفظ فرزند توسط هر یک از والدین، اگر دیگری قصد ملاقات با فرزندش را داشته باشد، یا بخواهد چیزی به او هدیه بدهد یا مشکلی از مشکلات وی را حل کند، یا ساعاتی را در کنار او بگذراند، طرف دیگر مجوزی برای ممانعت ندارد؛ مگر آنکه این ملاقات موجب اضرار اعم از فساد و انحراف اخلاقی یا تضييع سایر مصالح طفل گردد؛ در چنین صورتی ممانعت اشکالی ندارد. در قانون مدنی طبق ماده ۱۱۷۳، «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند». بر این اساس، با توجه به اهمیت خاص آثار تربیتی ناشی از ارتباط مستمر طفل بعد از طلاق با والدین، سؤال اصلی تحقیق این است که مبانی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق و آثار وضعی تربیتی تضييع این حق چیست؟ و چگونه تحلیل می‌شود؟

## مفهوم‌شناسی

### ملاقات

«ملاقات» در لغت به معنای رویارویی و با کسی دیدار کردن است (معین، ۱۳۸۱، ۲: ۱۸۰۹) و در فقه از عنوان رؤیت استفاده شده که معادل حقوقی آن همان حق ملاقات است. (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۱: ۴۰) دایره ملاقات منحصر به حضور نیست و ملاقات با ابزارهای مجازی از قبیل اینترنت، ایمیل، پیامک و... حاصل می‌گردد (ولش، ۲۰۰۸: ۲۱۵، واسر، ۲۰۰۴: ۳۶۳).

### حضانت

«حضانت» اسم مصدر به معنای «حَضَنَ الطَّائِرُ بَيْضَهُ رَحِمًا، رَقَدَ عَلَيْهِ تَحْتَ جَنَاحِهِ لِلتَّقْرِيحِ» یعنی پرندۀ ای که تخم‌های خویش را جهت مبدل شدن به جوجه زیر بال بگیرد آمده است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۴۰) و نیز به معنای حفظ و صیانت زن از فرزند آمده (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۷۴) و در اصطلاح فقهی به معنای ولایت و سرپرستی بر تربیت فرزند و تأمین مصالح اوست (نجفی، ۱۳۷۸، ۳۱: ۲۸۴). به تعبیر دیگر، حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت فرزند (حلی، [بی‌تا]، ۵۱). صاحب مسالک الافهام نیز چنین آورده که حضانت با فتحه، یعنی ولایت بر طفل و مجنون به نفع تربیت او و آنچه مربوط به آن است که مصلحت اوست، از قبیل نگهداری، گذاشتن در بستر، تربیت، سرمه، نقاشی، نظافت، شستن پارچه‌ها و لباس‌هایش و غیره. (شهید ثانی، ۱۴۱۵، ۸: ۴۲۱). در تعابیر اهل حقوق، حضانت به‌عنوان یک حق و تکلیف در معنای نگهداری و سرپرستی طفل توسط والدین است. (ماده ۱۱۶۸ق.م).

اینک پس از مفهوم‌شناسی، جهت ورود به تحلیل مسئله تحقیق، پرداختن به دو مقدمه ضروری است: یکی با توجه به اینکه حق ملاقات، به‌عنوان یک حق شرعی برای غیرحاضن، در حقیقت ناشی از حضانت می‌باشد، لازم است گستره ماهیتی آن از منظر شرع و قانون توضیح بیشتری داده شود؛ و از سویی ماهیت حق ملاقات از منظر فقه و قوانین حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

## مقدمات

مقدمه اول: ابعاد و گستره حضانت

### ۱. حق و تکلیف

در صورت وقوع طلاق بین زوجین و جدایی منزل مشترک، حقوق مسلم طرفین و طفل باید مراعات گردد. بدین جهت، ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر داشته نگهداری اطفال حق و تکلیف ابویین است و این که حق والدین است، بدین معنا است که کسی حق مزاحمت آنان را نداشته و نمی‌تواند آنان را از نگهداری فرزندشان منع کند و یا فرزند را از آنها گرفته و جدا کند (ماده ۱۱۷۵ ق.م). زیرا صراحت کلام فقیهان بی‌شماری حاکی از آن است که حضانت به معنای ولایت و سلطنت بر طفل است (فخرالمحققین، ۱۳۶۳، ۳: ۲۶۳) و این ولایت قابل اسقاط نیست؛ و اینکه گفته می‌شود حضانت تکلیفی است که به عهده والدین گذاشته شده بدین معنا است که پدر و مادر نمی‌توانند از حضانت سرباز زنند و به این ترتیب، حضانت هم حق است به نفع والدین و هم تکلیف است به نفع طفل». (طاهری، ۱۳۶۵، ۳: ۳۲۶) در بیان تفاوت میان حق و تکلیف باید توجه داشت که تکلیف قابل اسقاط و مصالحه نیست و شارع و مقنن بر آن حکم کرده و اراده اشخاص نمی‌تواند آن را تغییر دهد؛ ولی حق با مطالبه و درخواست قابل اعمال است و در صورت اجتماع اراده اشخاص ذی‌نفع قابل اسقاط است. نگهداری و تأمین مصالح فرزندان، تکلیف پدر است و در فرض وجود و صلاحیت وی سایر اشخاص تکلیفی در قبال فرزند وی ندارند؛ ولی همین حضانت نسبت به مادر حق است؛ یعنی در فرض وجود زوج در ایام مفارقت تا مدت زمان خاصی مادر می‌تواند حضانت فرزند را عهده‌دار گردد که ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی اولویت مادر تا سن ۷ سالگی را در حضانت طفلی که ابویین او جدا از هم زندگی می‌کنند، تصریح نموده است. حق حضانت دارای ضمانت اجرا است. در ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی در مقام اجرای این حق آمده: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است، در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند،

امتناع کند، به مجازات از ۳ تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از یک میلیون ریال و پانصد هزار تا سی میلیون ریال محکوم خواهد شد».

## ۲. قلمرو حضانت

مسئله حضانت فرزند مشترک از مباحث مهم و تخصصی خانوادگی به شمار می‌رود و خداوند با در نظر گرفتن مصلحت کودک، نگهداری و تربیت او، برای پدر و مادر حضانت را جعل نموده است (محامد، ۱۳۸۸: ۱۵۷) که گاه عدم رعایت مقوله حضانت موجب طرح دعوی متعدد است. البته باید اذعان نمود که دایره و گستره حضانت متکثر است و به لحاظ ماهوی، منظور از قلمرو حضانت شئونی است که کودک در این ایام از آنها باید برخوردار باشد. اهم مواردی که در نظام حقوقی اسلام می‌توان به‌عنوان شئون و حقوق کودک ذکر نمود عبارت است از:

### الف) مراقبت از کودک در دوران رضاع

رضاع کودک و مراقبت از او در ایام شیرخوارگی از باب اولویت به مادر واگذار شده و پدر یا دیگران مجاز نیستند کودک را از وی بستانند. حق حیات کودک و فطرت الهی ایجاب می‌کند که این ماده غذایی از او دریغ نشود. (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۰۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ۲: ۲۰۱) چنان که طبیعت نیز چنین خواسته و قانون نیز بر همین مبنا حضانت را حق مادر می‌داند و با از بین رفتن حق شیردادن، حق نگهداری و به‌طور کلی حق حضانت هم از بین نمی‌رود. حق سرپرستی مادر، ربطی به مسئله شیردادن ندارد (ابن ادریس الاجلی الحلی، بی‌تا: ۶۵۲/۲). فقیهان اهل سنت نیز بر این باورند که با تسلیم کودک به دایه، حق حضانت به حال خود باقی خواهد بود (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۷/۷۰۳) بنابراین رضاع یکی از شئون نگهداری کودک است که پیرو زمینه‌های ویژه خودش است. حال، اگر مادر به دلیلی، توانایی بر شیردادن کودک خویش را نداشته باشد، چرا حق حضانت از بین برود؟ حضانت حق گسترده‌ای است که زاویه‌های گوناگونی دارد و امکان دارد به هر دلیلی مادر نتواند به گونه مستقیم، همه جهت‌ها و زوایای

آن را بر عهده گیرد. آنچه مهم است، زیر نظر گرفتن تربیت کودک و نگهداری اوست و این حق، به عنوان يك اصل، برای مادر مطرح است و تا دلیل قطعی بر از بین رفتن آن نباشد، دلیلی برای برداشته شدن آن از عهده مادر، وجود ندارد.

### ب) تأمین نیازهای مالی کودک

رفع احتیاجات کودک (نفقه) به عنوان یکی دیگر از شئون مورد توجه فقه امامیه است و بر پدر اصالتاً لازم است که خرجی او را در حد عرفی تأمین کند ولو اینکه حاضن، مادر باشد که فهم از اخبار (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۳: ۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۲۵: ۲۱) و نظرات فقهی بر آن دلالت دارد. فقها درباره هزینه حضانت و مخارجی که برای سلامت جسم و روح کودک نیاز است، در مبحث نفقه اولاد بحث کرده‌اند. اگر کودک اموالی داشته باشد، نفقه او و هزینه حضانت، از مال او پرداخت می‌شود. در غیر این صورت، تأمین هزینه خوراک و پوشاک کودک، بر عهده پدر است و با فقدان پدر یا فقر او، این تکلیف بر عهده جد پدری و سپس بر عهده مادر است. (طوسی، ۱۳۷۷، ۶: ۳۱؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۳۱: ۳۸۱-۳۸۰). فقهای اهل سنت نیز عقیده دارند، سرپرست و نگهدارنده، چه مادر باشد، یا غیرمادر می‌تواند هزینه زندگی کودک را در زمان معینی، برابر نظر حاکم و مراعات حال پدر، دریافت کند و پدر حق ندارد به سرپرست و نگهدارنده بگوید، او را نزد من بفرست تا غذا بخورد و برگردد، چون این کار، به کودک زیان می‌رساند» (وهبة زحیلی، ۷، صص ۷۲۴-۷۲۵). از جنبه حقوقی نیز با توجه به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی در صورت حیات پدر، نفقه اولاد به عهده پدر است و در نبود پدر یا عدم استطاعت مالی پدر به عهده پدر بزرگ (و اجداد پدری اولاد) می‌باشد؛ بنابراین گرچه حضانت فرزند به مادر سپرده شود، پدر یا پدر بزرگ باید نفقه فرزند را طبق رأی دادگاه پرداخت نماید و اگر پدر از تأدیه نفقه اولاد خود امتناع نماید، به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌گردد.

### ج) تعلیم و تربیت طفل

از جمله مباحث دوران حضانت، مقوله تعلیم، تربیت و پرورش فرزند است و این وظیفه

واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن □ ۳۵

چه در ایام حضانت و چه غیر آن، به طور مشترک بر عهده والدین است. توضیح مطلب اینکه، طبق برخی عمومات قرآنی و روایی، پرورش و نجات یک وظیفه مشترک است و شاهد ادعا: آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» است (تحریم: ۶).

همچنین در روایتی آمده:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ: عَلَّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ بِرَأْيِهَا؛ از دانش ما به کودکان خود بیاموزید که فرقه‌های باطل آنان را تحت تأثیر قرار ندهند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۸:۲۱).

برخی اخبار به صراحت آن را بر عهده والدین قرار داده‌اند، مانند روایتی از پیامبر ﷺ که چنین فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَّهَمَا.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶: ۴۸) خدای

بیامرزد پدر و مادری را که کودک خود را بر خیر و نیکی یاری دهند.

برخی اخبار آن را وظیفه پدر و برخی آن را بر عهده مادر دانسته‌اند؛ چنانکه بر اساس

روایتی از امام صادق علیه السلام:

«عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِمَ أُمَّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَطَهِّرَهُ وَيَعْلَمَهُ السَّبَّاحَةَ وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِمَ أُمَّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيَعْلَمَهَا سُورَةَ التَّوْرِ وَلَا يَعْلَمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَيَعْجَلُ سَرَّاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۰۴) امام صادق علیه السلام از پیامبر نقل می‌کند که حق پسر بر پدر آن است که نام نیکو بر او نهد و کتاب خدا را به او بیاموزد، او را تطهیر کرده و شنا بیاموزد و حق دختر بر پدر آن است که نام نیکو برایش برگزیند، سوره نور به او بیاموزد. سوره یوسف را به او تعلیم نکند و او را در خانه‌های بلند اسکان ندهد و او را زود به خانه شوهر بفرستد.

و در خصوص مادر آمده است:

«... وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِمْ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ» (محدث نوری،

۱۴۰۸، ۱۴: ۲۴۸) زن از اهل بیت شوهر و فرزندان مراقبت می‌کند و نسبت به آنان مسئول

است.

## مقدمه دوم: تتبع حول حق ملاقات در آرای فقهی و حقوقی

این مسئله در آثار فقهی و حقوقی دارای سابقه و مورد توجه اندیشمندان بوده است. صاحب جواهر عقیده دارد در مدت نگهداری کودک، با توجه به فلسفه آن، حفظ روابط اجتماعی کودک، باید مدنظر باشد و سرپرست او حق ندارد کودک را از ملاقات با پدر یا مادر و یا حتی سایر خویشاوندان بازدارد. البته فقها در این زمینه، بیش تر ملاقات با مادر یا پدر را مطرح کرده اند (نجفی، ۱۳۶۶: ۲۹۲). در خصوص توجه به ملاقات با طفل شیخ طوسی می نویسد: «پدر حق ندارد مانع از اجتماع مادر با فرزند گردد...» (طوسی، ۱۳۷۰، ۶: ۴۰) همچنین در بحث کیفیت ملاقات، تفکیک قابل توجهی از سوی فقیهان اعمال شده است. به عنوان نمونه، در صورتی که محضون دختر و نزد مادرش باشد، شب و روز نزد او می ماند ولی اگر طفل پسر باشد، شب ها نزد مادر و روزها نزد پدر می رود؛ اما اگر حضانت با پدر باشد در صورتی که آن طفل دختر باشد در خانه می ماند و مادر برای ملاقات می آید ولی چنانچه طفل پسر باشد، در صورتی که حضانت او با پدر است می تواند یا به تنهایی یا با پدر نزد مادر رود. (مغنیه، ۱۳۷۹: ۱۱۴). هر یک از پدر یا مادر که حاضن نیستند، می توانند فرزند را ملاقات کنند و مانع بودن والدین از حق ملاقات باعث قطع رحم می شود و به لحاظ حکمی حرام است. (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۱: ۲۸۷).

### ۱. حق ملاقات از منظر فقهای عامه

فقهای عامه مستند حق ملاقات را صله رحم و قطع آن را حرام ذکر کرده اند. در الفقه الاسلامی آمده: «حق ملاقات برای غیرحاضن، به جهت رعایت صله رحم ضروری است، یعنی نباید رابطه میان فرزند و والد غیرحاضن قطع شود» (زحیلی، ۱۴۰۹، ۱۰: ۳۲۰)؛ بنابراین هر یک از پدر و مادر از حیث حرمت قطع رحم، با یکدیگر مشترک اند. گرچه این مطلب در جای خود قابل تأمل است که چگونه حرمت تکلیفی قطع رحم موجب اثبات حق برای ذی رحم می شود؟ زیرا این احتمال وجود دارد که درعین حال، برای قطع رحم، حرمت تکلیفی وجود



داشته باشد اما حقی که ذی‌رحم، بتواند به استناد آن، به حاکم شرع مراجعه کند، وجود نداشته باشد؛ از این رو، ممکن است، عباراتی نظیر، «لا یمنع من الاجتماع، ینبغی ان لا یمنع و...»، در کلام فقها در این باب بر تکلیف محض و نه اثبات حق برای ذی‌رحم حمل شود. به‌طور کلی همه مذاهب اهل سنت بر این مسئله اتفاق نظر دارند که پدر و مادر حق ملاقات طفل خود را دارند.

## ۲. حق ملاقات در قوانین موضوعه

در قوانین نیز ماده ۱۱۷۴ ق.م.ا اشاره دارد: «در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر، ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند، هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نیست، حق ملاقات با طفل خود را دارد...»، بر اساس این قانون، ابوین دارای حق ملاقات در فواصل معین با کودک خود هستند و فساد اخلاقی نمی‌تواند مانع حق ملاقات شود، ولیکن می‌توان حق ملاقات را در محیط مناسب و با حضور افراد مورد اعتماد برقرار نمود چراکه سلب کلی حق ملاقات برخلاف صراحت ماده قانونی است و اگر انجام ملاقات خوف جانی در بر داشته باشد، می‌توان مانع آن شد. ضمناً حق ملاقات شخص غیر حاضن در مواد ۷ و ۲۹ و ۴۱ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و مواد ۶۶، ۶۷ و ۶۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده اشاره شده است. بعلاوه شاخصه‌های محاکم برای تعیین زمان و مکان ملاقات مختلف است. در قانون مدنی ایران ماده ۱۱۷۴ اصل حق ملاقات تأیید شده است و برابر ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند، به مجازات از چهل و پنج روز تا سه ماه حبس یا به جزای نقدی تا سی میلیون ریال محکوم خواهد شد. همچنین وفق ماده ۱۲ قانون حمایت از خانواده، این حق در صورت فوت پدر و مادر به سایر افراد داده می‌شود البته با تشخیص دادگاه؛ بنابراین باید توجه داشت که کودک در دوران سرپرستی و نگهداری، در زندان نیست؛ بلکه تنها حق نگهداری او به دیگری سپرده شده است و باید به‌طور متعارف با او رفتار کرد. البته تا سن تحصیل طفل، این امکان برای ابوین وجود

دارد که در صورت توافق در طول هفته مکرراً شرایط ملاقات را برای یکی از ابوین که حضانت ندارد، فراهم آورند و یا حتی اگر چنانچه ابوین توافق نداشته باشند، دادگاه حسب ضرورت و مصلحت، ملاقات مکرر و یا طولانی را ضروری بداند، می‌تواند در هفته چند بار و یا چند روز ملاقات را مورد حکم قرار دهد و کسی که حضانت طفل بر عهده اوست، ملزم است شرایط لازم را برای اجرای حکم دادگاه و یا شرایط توافقی مهیا نماید؛ گرچه اثبات توافق خارج از دادگاه امری مشکل خواهد بود؛ ولی در صورت اثبات آن و یا صدور گزارش اصلاحی از سوی دادگاه در خصوص نحوه و مدت ملاقات، می‌تواند موجبات الزام سرپرست طفل را به ملاقات طرف دیگر فراهم آورد. در خصوص حق ملاقات طفل در دوران قبل از تحصیل و حین آن نیز با حلول سن تحصیل در طفل که اخیراً با افزوده شدن دوره آمادگی (پیش دبستانی) از ۶ سالگی آغاز می‌گردد تا حلول سن بلوغ، شرایط ملاقات باید به گونه‌ای باشد که مانع تحصیل و یا افت تحصیلی طفل نگردد و این امر نیز بستگی نزدیک به شرایط و محل زندگی ابوین دارد که اگر ارتباط آنان منطقی و به دور از حب و بغض‌های شخصی باشد و فاصله محل اقامت ایشان به گونه‌ای است که تردد مکرر و حضور مکرر طفل در طول هفته موجب ضرر و افت تحصیلی وی و از بین رفتن امنیت روانی و معنوی طفل نمی‌گردد، ادامه ملاقات مکرر طفل در طول هفته منعی ندارد؛ در غیر این صورت، حداکثر به هفته‌ای ۲۴ ساعت تقلیل یابد. البته نقش محاکم و تأثیر اقدام دادگاه‌ها در این گونه موارد بسیار مهم و مؤثر است. حفظ رابطه کافی و مناسب طفل با ابوین می‌تواند بخش مهمی از آثار سوء جدایی والدین را از زندگی طفل حذف نماید؛ و سرانجام زندگی چنین اطفالی را ختم به خیر نماید. به عکس، تعجیل و عدم تحقیق در شرایط روحی و روانی و اجتماعی طفل و والدین وی و سپردن حضانت به شخص فاقد صلاحیت و یا ندادن فرصت و امکان کافی ملاقات به طفل یا ابوین، ضمن اینکه موجبات تشدید اختلافات ابوین را فراهم می‌آورد و ضربه عاطفی و حتی مادی سنگینی به ایشان وارد می‌آورد، می‌تواند مانع بزرگی در انجام وظایف خود در تربیت اطفال باشد. ملاقات اطفال تا آن حد از اهمیت برخوردار است که ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون

حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۴، حداقل ماهی یکبار ملاقات را ضروری دانسته و مقرر داشته: «حق ملاقات با طفل کمتر از يك بار در ماه نخواهد بود.» همچنین ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، در خصوص ضمانت اجرای ملاقات طفل با ذی‌حق، اعمال مجازات جزای نقدی و در صورت اقتضاء سلب حضانت از شخصی که حضانت به عهده اوست و از ملاقات طفل با طرف دیگر ممانعت به عمل می‌آورد را برشمرده و اعمال مجازات جزایی مقرر در قانون جزا را نیز مجری دانسته و حتی در تبصره آن، نقل مکان طفل را به محلی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین ممنوع نموده؛ مگر در صورت وجود ضرورت و با تشخیص و اجازه دادگاه و مسلماً یکی از موارد قانونی که به دادگاه اجازه سلب حضانت را داده و ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی به آن اشاره دارد، تخلف از همین شرایط (ملاقات) است. ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز به‌عنوان یکی دیگر از ضمانت‌های اجرایی ملاقات طفل است و کسی که به هر نحو مانع اجرای حکم دادگاه در خصوص ملاقات گردد مشمول مجازات مقرر در آن خواهد بود. با توجه به عام الشمول بودن حکم موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان تنمیه حکم تعزیری، در صورت لزوم و تشخیص دادگاه صادرکننده، متمرد از اجرای حکم دادگاه و مانع اجرای حق ملاقات در صورت وجود شرایط خاص، به محرومیت از حقوق اجتماعی نیز محکوم می‌گردد.

## ادله حق ملاقات با طفل در فقه اسلامی

### ۱. قاعده «لاضرر»

قاعده لاضرر به معنی عدم مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام، برگرفته از متن حدیث نبوی «لا ضَرَر و لا ضِرار فی الاسلام» که بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران و حرمت آن دلالت می‌کند، در طول تاریخ فقاهت همواره مورد توجه فقها بوده که جامعیت نظام حقوقی اسلام را تأمین کرده و می‌تواند راهگشای مشکلات مبتلابه باشد. در مانحن‌فیه باید متذکر این نکته شویم که ضرورت حفظ حقوق اجتماعی کودکان در هر مقطعی دارای

اهمیت است و بالتبع این حساسیت در ایام جدایی والدین ظهور بیشتری دارد. تربیت جسمی و روحی کودک و آسیب‌پذیر بودن وی حاکی از این است که در ایام جدایی والدین و بعد از طلاق باید بیشتر مراقبت از طفل شود و از کارهایی که باعث ضرر به طفل در ایام بعد از طلاق می‌شود پرهیز گردد. بهترین مستند این مطلب: آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره: ۲۳۳) است که والدین مطلقاً از اضرار به فرزند نهی شده‌اند و این نهی اعم از حضانت در دوران زندگی مشترک و متارکه است. مطابق قاعده از آنجا که جلوگیری از ملاقات فرزند باعث ضرر و زیان به هر یک از طرفین و شخص کودک می‌شود می‌توان بر مبنای این قاعده، الزام به تکلیف و اجبار والدین به ملاقات با کودک و ارتباط مستمر با وی نمود و از سوی دیگر باید دادگاه‌ها نیز مکلف شوند به ملاقات مستمر کودک با خویشان حکم کنند و حاضن را مکلف به همکاری نمایند.

## ۲. قاعده «لا حرج»

دومین قاعده فقهی که می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، لا حرج است. می‌توان ادعا نمود قاعده فقهی لا حرج اساسی‌ترین قاعده فقهی است؛ زیرا در همه ابواب فقه جریان دارد و گستره کاربردی آن بسیار وسیع است و شاید وسعت هیچ قاعده‌ای به اندازه قاعده لا حرج نباشد. مفاد این قاعده طبق نظر مشهور، نفی هرگونه حکم حرجی و مشقت‌آور است و فقها در مستندات این قاعده، به آیات و اخبار مشهور و دلیل عقلی تمسک جستند. اگر بعد از طلاق، ملاقات را حقی برای والدین و طفل بشناسیم، باید بگوییم که در صورت ممانعت از سوی حاضن، این اقدام موجب مشقت و سختی برای طرف غیرحاضن است. پس در مانحن‌فیه مطلب بدین‌گونه قابل توضیح است که بر اساس اطلاق آیه «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده: ۶)؛ خداوند اراده‌ای بر قرار گرفتن بندگان در تنگنا ندارد و از آنجا که «حرج» به معنای تنگی و سختی است، هرگونه دشواری و تنگنا که موجب اختلال در نظام اجتماعی گردد، بر اساس عموم و اطلاق قاعده قابل نفی است. از معتقدان به این

### واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن □ ۴۱

نظریه می‌توان به شیخ انصاری اشاره کرد (انصاری، [بی‌تا] ج ۲: ۵۳۴). با پذیرش این دیدگاه بر اساس اطلاق آیه باید گفت: به دلیل اینکه نبودن کودک در کنار والدین و خویشاوندان، هم کودک و هم والدین و خویشاوندان را با مصادیق متنوعی از تنگنا و سختی به‌ویژه در حوزه روحی و روانی مواجه می‌کند و یقیناً آسیب‌هایی به دنبال دارد، ملاقات نکردن هر یکی از والدین نسبت به فرزندشان و نیز عدم ملاقات فرزند با هر یک از والدین موجب عسر و حرج است. بر این اساس، باید گفت چنانچه عمل والدین سبب حرج برای کودک شود یا حکم قانون، برای کودک یا والدینش حرج ایجاد نماید، دادگاه باید از این حرج جلوگیری کرده و شرایطی را ترتیب دهد که در آن، کودک یا والدین از مضیقه روحی به دور باشند؛ بنابراین چنانچه احدی از والدین از ملاقات طرف دیگر با کودک ممانعت نماید، به دلیل اینکه عدم ارتباط با والدین، کودک را در تنگنا قرار می‌دهد و از طرفی هم حکم حرجی در اسلام نفی شده، دادگاه (به‌عنوان فقیه نه حاکم) می‌تواند با توسل به قاعده لاجرح و حکومت آن بر ادله احکام اولیه، شخص ممانعت‌کننده را الزام به ملاقات با طفل نماید.

### ۳. وجوب تکلیفی صلہ رحم

صله رحم چه از باب اهمیت اجتماعی و چه از باب فقه و حقوق از منظر شریعت اسلام دارای اهتمام ویژه و دارای حکم تکلیفی وجوب است. در حقیقت صلہ رحم اتصال و احسان به ارحام نسبی و سببی، مهربانی با آنها و سازگاری و مراعات کردن حال آنهاست؛ حتی اگر افراد شایسته‌ای نباشند. (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸). ارتباط فرزند با والدین و خویشان، از اولویت‌های اسلام در حفظ و حراست از نظام خانواده و ملزم بودن به مراعات این ارتباط در چهارچوب تکلیفی به نام صلہ رحم قابل توجیه و تصور است که از نظر فقهی، واجب عینی است. (عاملی، [بی‌تا]، ۹، ۱۹۷)

### ۴. سیره عقلا

محقق دانستن والدین و طفل برای حق ملاقات پس از طلاق، جدا از تکلیف فقهی، دارای الزام

عقلایی است؛ زیرا حق ملاقات با طفل ثمراتی از جمله محبت برای طفل دارد. محبت در تمام مراحل زندگی نیازی جدی و مورد تأیید عقلای عالم است بر اساس سیره عقلا، ارتباط صحیح و برخاسته از عشق و علاقه والدین با فرزند، در همه زمان‌ها و لو ایام جدایی والدین، باید تأمین گردد و اگر به هر دلیلی این نیاز عاطفی، به ویژه در این دوره، برآورده نشود، ضررهای جبران‌ناپذیری به کودک وارد می‌شود؛ لذا باید حق ملاقات در این موقعیت به منظور تأمین محبت طفل، تحت عنوان یک حق طبیعی غیرقابل انکار و غیرقابل تضییع قلمداد نمود؛ و چون شارع به عنوان رئیس عقلا منعی از این سیره ننموده و بلکه عمومات و اطلاقات قرآنی و روایی آن را مورد تأیید قرار داده است پس مراعات حق ملاقات، از احکام امضایی اسلام نیز محسوب می‌شود.

### برخی آسیب‌های تربیتی ناشی از سلب حق ملاقات

به دنبال جدایی و متارکه والدین، چنانچه یکی از طرفین که تکلیف حضانت به او واگذار شده، به هر علتی مانعی برای ملاقات طرف غیرحاضن با طفل ایجاد نماید، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد آسیب‌ها و معضلات رفتاری متعددی شود که با مطالعه در این مقوله، مهم‌ترین موارد احصاء شده به شکل زیر قابل بیان است:

#### ۱. خلأ عاطفی

می‌توان با توجه به ادله عام و بعضاً خاصی از آیات و روایات، رشد عاطفی را تأیید کرد: الف) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند [به‌طور کامل] اجرا می‌نمایند. (تحریم: ۶)

ب) قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن □ ۴۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ. (همانا خداوند بنده را به جهت شدت محبتش به فرزند خویش مورد مهر و محبت قرار می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۱۰، ۳۵: ۲۳۷)

### کیفیت استدلال به آیه و حدیث در اهمیت رشد عاطفی

در این آیه «قُوا» فعل امر از ریشه «وقی» از مصدر «وقایة» است؛ یعنی حفظ کن، نگه‌دار. وقی در لسان اهل لغت به معنای حفظ از چیزی است از آنچه آن را آزار و اذیت می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). در اقوال اصولیین صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند لذا هر اقدامی که باعث می‌گردد مؤمنان مصداق «ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ» نشوند واجب است. از طرفی والدین نسبت به تربیت صحیح فرزندان مسئول‌اند و حتی طبق فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «أَلَا كُتِّبَ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ از آنجا که فرزندان زیر دست والدین هستند، فردای قیامت نسبت به نحوه تربیت صحیح بازخواست خواهند شد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۵: ۱۴۷). نحوه استدلال به این صورت است که هرچیزی که باعث شود که فرزندان به رشد شناختی عاطفی اجتماعی نرسند، ممنوع است و بالعکس آن واجب می‌گردد. در حدیث ذکرشده، از لحاظ سندی از مراسلات ابن ابی عمیر است؛ و شاهد مثال ما لفظ «ولده» است که شامل تمام دوران فرزندان می‌گردد. فرزندان از حیث تربیتی و نیازهای عاطفی، در تمام سنین، نیاز به همراهی والدین دارند و نبود یکی از والدین باعث می‌شود دچار نوعی خلل یا نقصان شوند و این امر در شکل‌گیری افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی فرد اثرات بسزایی دارد و کودکان را نسبت به افسردگی ناشی از حوادث فشارزا آسیب‌پذیر می‌سازد. (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰)

### ۲. عدم تعادل شخصیت کودک

شخصیت، ترکیبی از ویژگی‌های اجتماعی، روانی و جسمی است که برای افراد حاصل می‌گردد (محسنی، ۱۳۵۷: ۴۴۷). گاهی شخصیت انسان در نتیجه عللی دستخوش تغییر

می‌گردد. تعادل شخصیت کودکان یکی از حالاتی است که در نتیجه باهم بودن والدین برای کودکان ایجاد می‌گردد (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۷) درک زندگی با یک والد برای کودکان سخت و دشوار می‌باشد و نیازهای کودکان را برآورده نمی‌کند. تحقیقات روان‌شناسان حاکی از این است که بین شخصیت کودکانی که دارای والدین باهم هستند و کسانی که فقط مادر یا پدر دارند، تفاوت معناداری وجود دارد (وستا، ۲۰۰۰) کودکان در زندگی نیاز به دو الگو دارند و نمی‌توانند به طور کامل خود را با یک الگو خواه پدر یا مادر وفق دهند و همیشه از رنج بی‌پدری یا بی‌مادری نگران‌اند. این باعث عدم تعادل شخصیت در کودک می‌شود؛ و یکی از فلسفه‌های جعل ملاقات به‌عنوان حق و تکلیف می‌تواند برای جلوگیری از بروز عدم تعادل شخصیت کودک باشد. به این صورت که با ملاقات غیرحاضن خواه پدر یا مادر، حداقل یک تعادل نسبی در شخصیت کودک ایجاد می‌گردد.

### ۳. پرخاشگری

در اصطلاح روان‌شناسان، پرخاشگری حالتی است که شخص به خود یا افراد دیگر آسیب جسمانی وارد می‌کند (ترخان، ۱۳۸۵). برخی دیگر از روان‌شناسان پرخاشگری را حالت منفی ذهنی همراه با نقص‌ها، همراه با انحرافات شناختی، همراه با رفتارهای ناسازگارانه می‌دانند (آدامز میلر، ۱۳۷۹). در واقع پرخاشگری حالتی است که یکی از دلایل آن محرومیت اجتماعی است (برک و لورای، ۲۰۰۱). روان‌پزشکان جدایی والدین و طلاق را از مهم‌ترین علل ایجاد پرخاشگری می‌دانند (فرجاد، ۱۳۷۸). طلاق و جدایی باعث می‌گردد که کودک به اختلال عاطفی دچار گردد؛ و اگر این کمبود به نحوی جبران نگردد، اثرات شوم آن در تمام دوران زندگی دامن‌گیر کودکان طلاق خواهد بود. در واقع این قسمت به نقص و خلأ عاطفی برمی‌گردد؛ و کودکان باید مهر و محبت و عاطفه را از والدین باهم بگیرند. ملاقات با طفل اگرچه به‌طور کلی نمی‌تواند خلأ عاطفی را پر کند منتها می‌تواند تا حدودی الهام‌بخش این نیاز طبیعی کودک باشد؛ و می‌تواند جلو بدتر شدن و افتادن در دام پرخاشگری کودکان را بگیرد و این خود منفعتی برای طفل می‌باشد. اکنون با این



توصیف، ممانعت نمودن از ملاقات با فرزند در ایام پس از طلاق، می‌تواند عاملی مضاعف در رویداد چنین معضلاتی باشد. و یکی از فلسفه‌های جعل ملاقات به‌عنوان حق و تکلیف می‌تواند برای جلوگیری از بروز پرخاشگری باشد.

#### ۴. عدم امنیت روانی برای طفل

امنیت در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی بشر از نیازهای ضروری است. کودکان نیز از این اصل مهم استثنا نیستند. امنیت دارای انواع مختلفی از قبیل امنیت جانی، مالی و روانی است. در مطالعات فقهی امنیت به معنای حفظ به کار رفته است. (لک زایی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). در علم روان‌شناسی به احساس نسبی رهایی از خطری که در نتیجه حالت خوشایندی در طرف ایجاد شود و آرامش جسمی و روانی برای طرف به دنبال داشته باشد، امنیت روانی می‌گویند (شاملو، ۱۳۷۸: ۹۱) احساس ایمنی یکی از مهم‌ترین موارد رشد روانی و اجتماعی کودک می‌باشد (شولتز، ۱۳۸۳: ۳۲۸) در آیاتی از قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره شده است؛ مثلاً خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَمِّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ و ایشان را از خوف در امان آورد. (قریش: ۴) در آیاتی از قرآن کریم از واژه «أمن» به معنای امنیت استفاده شده است. این واژه در عربی ضد ترس و خوف است. از این رو، همواره خوف و امن در برابر هم به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۳۷۵). همچنین در برخی آیات اگرچه کلمات صراحت در معنای امنیت ندارد اما از مفاد آیات مشخص می‌شود منظور امنیت است.<sup>۱</sup> امنیت کلمه‌ای مطلق می‌باشد و شامل تمام انواع آن می‌گردد و اشاره به نوع خاصی ندارد. اصولاً یکی از اهداف نظام خانواده برای اینکه فرزندان به تعالی و رشد برسند، تقویت امنیت روانی و ایجاد آن در فرزندان می‌باشد. فرزندان از حیث امنیت روانی، در تمام سنین، نیاز به همراهی والدین دارند و نبود یکی از والدین باعث می‌شود دچار نوعی خلل یا نقصان شوند. رابرت ویس در کتاب خود تحت عنوان اثرات طلاق می‌نویسد: پاسخ فوری اکثریت کودکان از فاجعه طلاق والدین خود، اضطراب و نگرانی است. (درویزه، ۱۳۷۱: ۶۱) والدین باید شرایطی ایجاد کنند که فرزندان ایجاد ناامیدی و یأس

نکنند. پرورش کودکان کاری است که یک والد به تنهایی از عهده آن بر نمی آید و رشد کودک را در ابعاد روانی به مخاطره می اندازد. (همان، ۱۳۷۱: ۶۴) جدایی و فروپاشی خانواده اگر به صورتی باشد که غیرحاضن اعم از پدر یا مادر نتوانند با کودک خود در ارتباط باشند، امنیت روانی کودک به مخاطره می افتد و انواع مخاطرات روحی روانی در پی دارد. در واقع تا زمانی که غیرحاضن اعم از پدر یا مادر به ملاقات با طفل می رود این باعث می شود که کودک خود را تنها نبیند. و یکی از فلسفه های جعل ملاقات به عنوان حق و تکلیف می تواند برای جلوگیری از عدم امنیت روانی کودک باشد.

### نتیجه

از بحث فوق می توان چنین نتیجه گرفت که در فقه اسلامی مطابق آرای فقهای امامیه، حق ملاقات با طفل پس از طلاق والدین، از اساسی ترین توابع حضانت به عنوان یک تکلیف و جویی و حق مسلم طرفین محسوب می شود؛ که در این پژوهش ضمن ترسیم جایگاه فقهی آن، مبانی و مستندات فقهی آن با استدلال و تحلیل قواعدی نظیر لاضرر و لاحرج، حکم تکلیفی صلح رحم و سیره عقلا روشن گردید و در ادامه با اشاره به برخی مواد قانونی، آثار جزایی آن این گونه بیان شد که اگر کسی که حکم حضانت علیه وی صادر شده، (پدر، مادر و یا شخص دیگر) مانع اجرای قانون شود و یا از ملاقات طفل خودداری کند، دادگاه صادرکننده حکم، او را ملزم می کند که حق ملاقات فرزند یا فرزندان را برای غیرحاضن به رسمیت بشناسد. در پایان گفته شد سلب این حق، آسیب ها و آثار تربیتی دارد که چهار مصداق مهم آن از قبیل: ایجاد خلأ عاطفی فرزندان، خدشه دار شدن شخصیت کودک، پرخاشگری، از بین رفتن امنیت روانی کودک تبیین گردید.

واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن □ ۴۷

---

## پی‌نوشت

.....  
۱. به‌عنوان مثال: کلمات سلم (بقره: ۲۰۸)، سلام (رعد: ۲۴)، سکینه (توبه: ۲۶)، صلح (نساء: ۱۲۸) و واژگانی در طرف مقابل امنیت مانند خوف (بقره: ۱۱۲)، رعب (حشر: ۲)، حزن. (بقره: ۳۸) دال بر امنیت و معنای امنیت از آن استنباط می‌شود.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

آدامز میلر، شرف، *روان شناسی کودکان محروم از پدر*، ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران، تهران، تربیت، [بی تا].

ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، [بی تا].

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، [بی تا].

(شیخ) انصاری، مرتضی، *فوائد الاصول*، نرم افزار کتابخانه مدرسه فقاقت.

\_\_\_\_\_، *رسائل فقهیه*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، [بی تا]، [بی تا].

امینی، علی و همکاران، مقاله مقایسه افسردگی، استرس، اضطراب، کمرویی، پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر تک والد و دو والد، *فصلنامه پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، تهران، سال چهارم، شماره چهارم.

بهجت، محمد تقی. *توضیح المسائل*، قم، دفتر حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت، [بی تا].

پوراسدی، محمد و هاشمی، مجید، مقاله بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت، *فصلنامه پلیس زن*، تهران، دوره ۶، شماره ۱۶: صفحه ۵۴ - ۸۱.

ترخان، مرتضی، *رساله دکتری*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، [بی تا].

(علامه) حلی، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام*، قم، منشورات رضی، [بی تا].

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة*، قم، آل البيت، [بی تا].

حبیبی تبار، جواد، *گام به گام با حقوق خانواده*، تهران، میزان، [بی تا].

خراسانی، آخوند محمد کاظم، *کتاب الفراق - مقاله فی الطلاق*، انتشارات اسلامی قم، [بی تا].

(امام) خمینی، سید روح الله، *بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر*، تهران، مؤسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی، [بی تا].

\_\_\_\_\_، *استفتاءات*، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بی تا].

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالعلم، [بی تا].

زحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامی*، دمشق، دارالفکر، [بی تا].

درویزه، زهرا، بررسی اثرات طلاق بر وضعیت جسمی عاطفی خانوادگی، *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، شماره ۹.

شاملو، سعید، *بهداشت روانی*، چاپ سیزدهم، تهران، رشد، [بی تا].

شربجی، بغا، الغن، علی، مصطفی، مصطفی، *فقه المنهجی علی مذهب الامام شافعی*، [بی تا]، [بی تا]، [بی تا].

شولتز، دوآن، *نظریه های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، چاپ چهارم، تهران، ارسباران، [بی تا].

صدر، سید محمدباقر، *القواعد الفقهیه*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، [بی تا].

\_\_\_\_\_، *دروس فی علم الاصول*، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، [بی تا]، [بی تا].

لکزایی، نجف، مطالعات فقهی امنیت، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۲، ص ۳۲-۴۲.

لورای، برک، *روان شناسی رشد*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، [بی تا].

فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، [بی تا].

فرجاد، محمدحسین، *آسیب شناسی اجتماعی ستیزه های خانواده و طلاق*، تهران، منصور، [بی تا].

فیومی، احمد بن محمد مقری، *مصباح المنیر*، قم، منشورات دار الهجرة، [بی تا].

فخرالمحققین، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد*، قم، اسماعیلیان، [بی تا].

- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز درس‌هایی از قرآن، [بی‌تا].
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
- طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، [بی‌تا].
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط*، تهران، المكتبة المرتضویه، [بی‌تا].
- \_\_\_\_\_، *تهذیب الأحکام* (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، [بی‌تا].
- \_\_\_\_\_، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المكتبة المرتضویه، [بی‌تا].
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت، دارالکتب العربی، [بی‌تا].
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی [بی‌تا]. *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، [بی‌تا].
- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقهی*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، [بی‌تا].
- محامد، علی، بررسی حکم حضانت کودک از دیدگاه فقه شیعه، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۱۳۹ الی ۱۷۱.
- محسنی، منوچهر، *جامعه‌شناسی عمومی*، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری، [بی‌تا].
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث، [بی‌تا].
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، [بی‌تا].
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
- مازندرانی، ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، دارالبیدار، [بی‌تا].
- موسوی، سید رضا، *روش‌های تربیت عاطفی از منظر قرآن و حدیث با تأکید بر محبت*، رساله دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث.
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، ادنا، [بی‌تا].

واکاوی فقهی حق ملاقات با طفل پس از طلاق با رویکرد تربیتی به آثار آن □ ۵۱

---

نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، محمود قوچانی، [بی تا].

نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، *أنوار الفقاهة*، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، [بی تا].  
وستا، راس، پرخاشگری کودکان، ترجمه احمد خسروی، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، پاییز وزمستان ۱۳۷۹، شماره ۸-۷.